

الگوی تپ پپوست

فرہنگی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

پیشگفتار..... ۶

مقدمه ۸

موضوع ۸

ضرورت الگوی پیوست ۸

اهداف الگوی پیوست ۸

منطق طراحی الگو ۹

رویکرد طراحی الگو ۹

فصل اول - اصطلاحات کاربردی ۱۰

۱- ارکان فرهنگ ۱۰

۲- ابعاد فرهنگ ۱۰

۳- لایه های فرهنگ ۱۰

۴- سطوح فرهنگی ۱۱

۵- ارزیابی پیامد فرهنگی ۱۱

۶- شاخص فرهنگی ۱۲

۷- استاندارد فرهنگی ۱۲

۸- ارزش ۱۲

۹- هنجار ۱۲

فصل دوم - کلیات الگو ۱۳

۱- اصول کاربردی ۱۳

۲- گستره الگو..... ۱۶

۳- افق زمانی..... ۱۷

۴- سطوح الگو..... ۱۷

فصل سوم - الگوی کاربردی..... ۱۸

۱- ضرورت وجودی الگوی کاربردی..... ۱۸

۲- متغیرهای الگوپیش فرض های آن..... ۱۸

۳- فرآیند طراحی الگوی کاربردی..... ۱۹

فصل چهارم - الگوی عملیاتی..... ۲۰

۱- عناصر، فرآیند و خروجی ها..... ۲۰

۲- نظام شاخص ها..... ۲۱

۲/۱- چرایی توزین شاخص ها..... ۲۱

۲/۲- شاخص ها و ارزش ها..... ۲۱

۲/۳- شاخص ها و داده ها..... ۲۲

۲/۴- انواع شاخص ها..... ۲۳

۲/۵- روش پیامدسنجی (ارزشیابی فرهنگی موضوع)..... ۲۵

۲/۵/۱- روش پیامد سنجی کوتاه مدت..... ۲۷

۲/۶- معیارهای شاخص گزینی..... ۳۰

۲/۶/۱- معیارهای تفکیک شاخص ها..... ۳۰

۲/۶/۲- معیارهای ترجیح شاخص ها..... ۳۱

۳- راهکارهای اصلاحی..... ۳۲

۳/۱- چرایی راهکارها..... ۳۲

- ۳۲- راهکارها و سیاست ها..... ۳۲
- ۴- نظام پرسش ها ۳۳
- ۴/۱- چرایی نظام پرسش ها ۳۳
- ۴/۲- ارتباط کارکردی شاخص ها و پرسش ها ۳۳
- ۴/۳- اصول و ویژگی های نظام پرسش ها..... ۳۳
- ۵- معیارهای موضوع نگاری..... ۳۵
- ۶- سطوح پیوست نگاری..... ۳۶
- ۶/۱- پیوست نگاری محدود..... ۳۶
- ۶/۲- پیوست نگاری مستمر..... ۳۶
- ۶/۳- افتراقات و اشتراکات..... ۳۶
- ۷- فرم ارزیابی پیامدهای فرهنگی..... ۳۸
- ۷/۱- فرآیند تدوین پیوست فرهنگی..... ۳۹
- ۸- فرآیند ارزیابی پیوست فرهنگی..... ۴۰

پیشگفتار

مجموعه پیش رو، در ادامه «نظام نامه پیوست فرهنگی» و با هدف دسترسی به امور ذیل طراحی شده است:

- ۱- «توصیف» موضوع و محیط بیرونی، ۲- «سنجش» پیامدهای ناشی از تاثیر موضوع بر فرهنگ منطقه مورد بررسی، ۳- ابزار «تفاهم» با دستگاه ها و مراکز پیوست نگاری

فرآیند طی شده در این مجموعه، پس از بیان مقدمات و کلیات ضروری، با طراحی دو الگوی «کاربردی و عملیاتی» کامل می شود که هر دو الگو، در حکم زیر بنا و روبنای الگوی تیپ پیوست می باشد. ضمن آنکه در طراحی الگوی تیپ، از طرح مباحث نظری غیرضرور یا کم ضرور پرهیز شده اما به دلیل لزوم ارائه تصویری جامع از دلیل ومدعا ومبنا و بنا برای اقناع و همراهی مخاطبان، عمدتاً در الگوی کاربردی، به ناچار، بخشی به پردازش گام به گام و طراحی جداول ماتریسی اختصاص داده شده است. در عین حال همین بخش از مباحث، از متن، جدا و به ضمائم مجموعه منتقل گردید.

اما خروجی مورد انتظار از این مجموعه، همان الگوی عملیاتی است که به طور مشخص، در دو بسته اصلی و پشتیبان، تعریف شده است:

۱- **نظام شاخص های فرهنگی:** نقش پشتیبانی مفهومی در توصیف و سنجش برای گروه های پیوست نگار را در سراسر کشور ایفا می کند.¹

۲- **فرم پیوست فرهنگی:** ابزار «مرکز راهبری پیوست فرهنگی» در نیل به اهداف فوق است در عین حال با هدف بهینه سازی دو بسته فوق- مجموعه دیگری با نام " پرسش های ارزیابی فرم پیوست فرهنگی "، طراحی شده است تا مرکز راهبری پیوست را در تکمیل نظام شاخص ها و فرم پیوست به صورت مستمر یاری کند.

همچنین طی چندماه کار فشرده مطالعاتی، دهها منبع و مستند علمی داخلی و خارجی، مرتبط با موضوع، توسط کارگروه، مورد بررسی دقیق قرارگرفت که به همراه چندین بار ویرایش از پیش نویس، در قالب چند مستند، جهت مراجعه کارشناسان مرکز راهبری پیوست فرهنگی و واحدهای ذی ربط دبیرخانه شورای عالی، تنظیم شده است.

با این وصف، محصول مطالعات کارشناسی کارگروه، در قالب متن اصلی، بسته های عملیاتی، ضمائم و مستندات به شرح ذیل تقدیم می گردد:

۱- الگوی تیپ پیوست فرهنگی (مشمول بر یک مقدمه و چهار فصل)،

۲- نظام شاخص های فرهنگی پیوست (به عنوان ابزار ارزشیابی پیامدهای فرهنگی)

¹ - وجود این شاخص ها علاوه بر آنکه طراحی جامع نقشه مهندسی فرهنگی کشور (به عنوان سند بالادستی پیوست) را در حوزه پایش و پیمایش فرهنگی، سرعت و کمال می بخشد، زوایای تاریک میدان عملیات اجرایی پیوست را نیز روشن می کند.

- ۳- فرم پیوست فرهنگی (مشمول بر سه فصل بادهها پرسش جهت شناسایی موضوع و پیامد ها و راهکارهای آن)
- ۴- ضمایم الگوی تیپ (شامل فرآیند طراحی الگوی کاربردی و معیارهای موضوع نگاری پیوست فرهنگی)
- ۵- مستندات مربوطه (شامل ۷ جلد).

شامل موضوع- ضرورت، اهداف، منطق طراحی و رویکرد می باشد.

موضوع

پس از تدوین نظام نامه پیوست فرهنگی وارائه تصویری روشن از "چرایی و چیستی" آن، الگوی تیپ^۱ پیوست فرهنگی، بررسی بخش عمده ای از «چگونگی» تحقق پیوست فرهنگی را بر عهده خواهد داشت.

محصول این الگو، مجموعه «شاخص‌ها» و «پرسش‌ها» معطوف به پیامد سنجی فرهنگی در خصوص موضوعات مهم پیوست است. در واقع انتظار از این الگو، عبارت است از: شاخص‌های تعیین و اولویت‌گذاری این موضوعات، چارچوب و محتوای فرم‌های پیوست و سازوکار نگارش آن توسط پیوست‌نگاران؛ تا از این طریق، «تیین موضوع» و «تشخیص پیامد» و «تجویزحکم» هر یک از موضوعات امکان‌پذیر گردد.

ضرورت الگوی پیوست

فلسفه وجودی الگوی پیوست، معطوف به فقدان سازوکار و ضوابط نگارش و اجرای پیوست و ابزار ارتباط علمی- کارشناسی بین پیوست‌نگاران و مجریان طرح‌ها و پروژه‌های مهم است.

اهداف الگوی پیوست

الگوی پیوست فرهنگی، اهداف ذیل را دنبال می‌کند:

- ۱- دست‌یابی به نظام شاخص‌های فرهنگی مرتبط با ارزشیابی موضوعات مهم،
- ۲- دست‌یابی به نظام پرسش‌های عمومی و اختصاصی مرتبط با شناسایی موضوع و پیامدهای فرهنگی آن،
- ۳- ایجاد درک مشترک و وحدت رویه و جلوگیری از اعمال سلیقه پیوست‌نگاران،
- ۴- ارتقاء قدرت تفاهم و تعامل با طراحان و مجریان طرح‌ها، پروژه‌ها... در طی مراحل تصویب خواهی پیوست،
- ۵- ارتقاء قدرت تفاهم و تعامل با گروه‌های مردمی موجود در منطقه هدف،
- ۶- زمینه‌سازی برای طراحی الگوی سازمانی مرکز راهبری پیوست و تفاهم نسبت به این الگو.

۱- جهت اختصار، از "الگوی تیپ"، به "الگو" تعبیر می‌شود.

منطق طراحی الگو

سه نکته، مبین منطق طراحی الگوی پیوست است:

اول- الگوی تیپ براساس پذیرش چهار بعد فرهنگی - شامل فرهنگ فرهنگی، فرهنگ سیاسی، فرهنگ اجتماعی و فرهنگ اقتصادی - ترسیم می گردد. هر چند مولفه های مهم دیگری مانند لایه ها و سطوح فرهنگی، گستره جغرافیائی، قلمرو اجرائی و... در این منطق به کار رفته اما محور، ابعاد چهارگانه فرهنگی است که در الگوی پیوست، نقش اصلی را ایفا می کند.

دوم- براساس مبانی نظری، بعد " فرهنگ فرهنگی " در نظام مطلوب، مقدم بر ابعاد " فرهنگ سیاسی، فرهنگ اجتماعی و فرهنگ اقتصادی " است. ترتیب مذکور، در دیگر متغیرهای الگوی تیپ جاری خواهد بود.

سوم- منطق الگو نگاری، بر روش ترکیبی «قیاسی - استقرائی» تکیه دارد به گونه ای که در شناسائی و نظام مندی متغیرها، شاخص ها...، از دو حرکت همزمان بالا به پایین و بالعکس، بهره مند شده است.

رویکرد طراحی الگو

چون در مدیریت فرهنگی - به ویژه فرآیند پایش و پیمایش - توجه به لایه های ظاهری فرهنگ، یک ضرورت، و ارزیابی لایه های باطنی آن، یک اصل است لذا رویکرد حاکم بر طراحی الگو، ترکیبی منطقی از رویکرد «فن سالارانه و پدیدار شناسانه زیست محیطی» و رویکرد «مشارکت جویانه و جامعه شناسانه» است که دهها سال است در دو پیوست «محیط زیست» و «اجتماعی» از آنها بهره گرفته می شود. نکته مهم تر در این میان، رویکرد غالب «دینی» به انسان، جامعه و فرهنگ است که وجه تمایز اصلی با رویکردهای پذیرفته شده جهانی است. این وجه، در نظام شاخص ها، از چهره روشن تری برخوردار است.

فصل اول - اصطلاحات کاربردی^۱

۱- ارکان فرهنگ

از آنجا که نظام فرهنگی دارای سه رکن، به ترتیب: «فرهنگ فرهنگی، سیاست فرهنگی و اقتصاد فرهنگی» است لذا پیوست فرهنگی، به دلیل داخل بودن تمامی ارکان در این نظام، متعهد به رصد، نظارت و ارزشیابی هر سه می باشد.

۲- ابعاد فرهنگ

به ترتیب، شامل چهاربعد "فرهنگ فرهنگی، فرهنگ سیاسی، فرهنگ اجتماعی و فرهنگ اقتصادی"، جاری در چهارنظام جامعه به شرح ذیل است:

۲-۱- فرهنگ فرهنگی: مجموعه باورها، ارزش ها، دانش ها، الگوی های رفتاری و نمادهای حوزه «معرفت»؛ مانند هویت فرهنگی، امور علمی، فناوری، هنری، میراث باستانی و ...

۲-۲- فرهنگ سیاسی: مجموعه باورها، ارزش ها، دانش ها، الگوهای رفتاری و نمادهای حوزه «قدرت»؛ مانند آزادی، امنیت، استقلال، مشارکت مردمی، انگیزه های عمومی و ...

۲-۳- فرهنگ اجتماعی: مجموعه باورها، ارزش ها، دانش ها، الگوی های رفتاری و نمادهای حوزه «ارتباطات». مانند اطلاعات و ارتباطات، اوقات فراغت، ورزش، سلامت، حقوق شهروندی، محیط زیست و ...

۳-۴- فرهنگ اقتصادی: مجموعه باورها، ارزش ها، دانش ها، الگوی های رفتاری و نمادهای حوزه «ثروت». مانند فرهنگ کار، تجارت، خودکفایی، تولید و توزیع و مصرف، خدمات سرمایه گذاری و ...

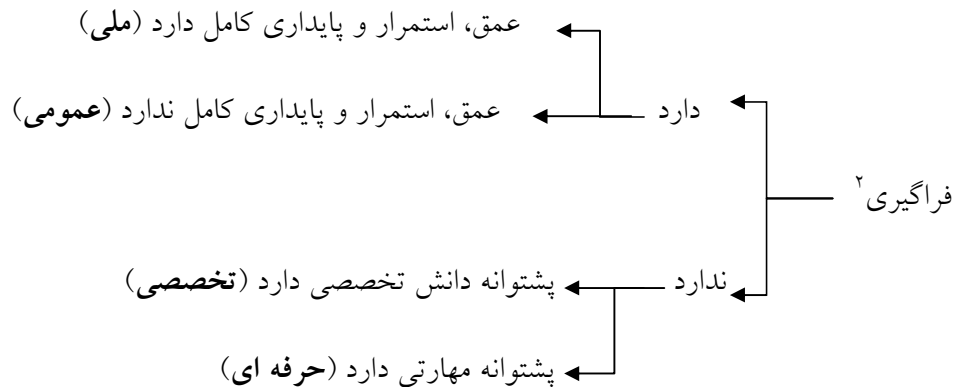
۳- لایه های فرهنگ

لایه های اصلی و قابل تمایز فرهنگ، شامل «باورها، ارزش ها، رفتارها و نمادها» است که البته خود به دو بخش لایه «باطنی» (باورها و ارزش ها) و «ظاهری» (رفتارها و نمادها) تقسیم می شود.

۱- نگاه «کاربردی» به این اصطلاحات، وجه تمایز تعاریف مشابه در دو نظام نامه «نقشه مهندسی فرهنگی» و «پیوست فرهنگی» است.

۴- سطوح فرهنگی

شامل چهار سطح «ملی، عمومی، تخصصی و حرفه ای» است. این سطوح با توجه به ویژگی های آنها^۱ طبق نگاره ذیل، قابل تقسیم است:



نگاره ۱- سطوح چهارگانه فرهنگ

۵- ارزیابی پیامد فرهنگی^۳

فرآیند برآورد هر اثر مثبت یا منفی فرهنگی است که این اثر نیز حاصل تعامل فرهنگ با نظامات چهارگانه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. این فرآیند تحلیل، از پیش بینی تا بازخوردگیری را شامل می شود و از این طریق می توان پیامدهای خواسته و ناخواسته ناشی از مداخلات برنامه ریزی شده انسان در قالب انواع سیاست گذاری ها و برنامه ریزی ها را نسبت به حوزه فرهنگ مدیریت کرد و محیط زیست انسانی پایدار و عادلانه ای را تضمین نمود. انسان و لایه های ظاهری و باطنی فرهنگ در سطوح اجتماعی، سازمانی و خانوادگی، موضوع این ارزیابی و فرآیند پیچیده است و البته همین امر، برتری آن نسبت به انواع ارزیابی پیامدهای زیست محیطی^۴، اقتصادی^۵، سلامت^۶ و... است. هرچند این ارزیابی از قرابت زیادی در گستره، با ارزیابی پیامدهای اجتماعی^۷ برخوردار است اما نگاه عمدتاً یکدست «فرهنگی» با رویکرد «دینی» به انسان و جامعه در ارزیابی پیامدهای فرهنگی، آن را به لحاظ جوهره، از نگاه عمدتاً جامعه شناختی با رویکرد موجود در اندیشه مدرن، در ارزیابی پیامدهای اجتماعی جدا می کند.

^۱ - عمده این ویژگی ها، از نظام نامه نقشه مهندسی فرهنگی، استفاده شده و سپس آرایشی منطقی گرفته اند.

^۲ - منظور فراگیری جمعیتی است.

^۳ - CIA (Cultural Impact Assessment)

^۴ - EIA (Environmental Impact Assessment)

^۵ - EIA (Economic Impact Assessment)

^۶ - HIA (Health Impact Assessment)

^۷ - SIA (Social Impact Assessment)

۶- شاخص فرهنگی

شاخص^۱ در لغت به معنای نمودار یا نشان دهنده یا نماینده می باشد و در اصطلاح، عبارت است از متغیری «کیفی» برای نظارت و پایش، یا متغیری «کمی» برای اندازه گیری و پیمایش محیطی و نیز مقایسه پدیده ها و تغییرات آنها در شرایط مختلف. هر شاخص فرهنگی، نماینده یک چالش اصلی یا فرصت و مشکل کلان یا مسئله خُرد انسانی و نشانی از یک نوید یا هشدار فرهنگی است.

۷- استاندارد فرهنگی

از مهمترین ابزار پایش و پیمایش فرهنگی است که از مبانی ارزشی هر جامعه، تاثیر می پذیرد و دلالت بر نقطه بهینه، تعادل^۲ و توازن در عرصه یا موضوعی خاص (مانند علم، هنر، سنت ها و...) دارد. بیان استانداردها به صورت یک «کم»، قدرت کنترل و نظارت فرهنگی را بیشتر می کند. استانداردها می توانند به صورت «اجباری یا غیر اجباری»، مدیریت فرهنگی کشور را در شرائط زمانی و مکانی یاری رسانند. از این رو استانداردها معمولاً با ارتقا این شرائط، سخت گیرانه تر و در جهت تکامل جامعه عمل می کنند. استانداردها، نقطه بهینه و مناسب ترین وضعیت شاخص ها در بازه زمانی مشخص یا نامشخص، و ابزار تکمیلی برای ایفای نقش بهتر شاخص ها در توصیف شرایط و تجویز احکام نظارتی است.

۸- ارزش

بنابر هر تفکر دینی و غیردینی، هر مفهوم که از اهمیت بیشتری در سطوح زندگی فردی و اجتماعی برخوردار باشد به عنوان "ارزش" قلمداد می شود. «عدالت، امنیت، نظم و...» می توانند به عنوان ارزش های یک جامعه تلقی شوند. ارزش ها همواره یکی از مؤلفه های اصلی فرهنگی - در کنار بینش، دانش و...- و از لایه های مهم فرهنگ محسوب می شود. ارزش های اجتماعی در یک جامعه متعادل، معمولاً حاکم بر ارزش های سازمانی، خانوادگی و فردی است.

۹- هنجار

مقیاس و قاعده تنظیم روابط و رفتارهای اجتماعی است که براساس باورها و ارزش های پذیرفته شده یک جامعه، تعریف می شوند و عدم پیروی از آنها در جامعه، با سرزنش یا مجازات همراه است. هنجارها، باید و نبایدهای قوام یافته اجتماعی و ناظر به ارزش های عرفی و حقوقی است که در طول زمان ممکن است دچار تغییر شوند. «عادات، آداب، قوانین، مقررات و قراردادهای اجتماعی»، از هنجارهای بیشتر شناخته شده هستند که ملاک داوری فردی و اجتماعی نیز قرار می گیرند.

^۱ - index

^۲ - optimum

فصل دوم - کلیات الگو

۱- اصول کاربردی

الگوی پیوست فرهنگی، دارای اصول کاربردی به شرح ذیل است:

۱- پیوست فرهنگی به عنوان یکی از مهمترین ابزارهای نظارت و ارزشیابی، معطوف به هر دو لایه باطنی و ظاهری فرهنگ است. از آنجا که ارزشیابی نظام انگیزه ها و اندیشه های اجتماعی (درحوزه باطن فرهنگ) تنها از طریق نظام رفتارها و نمادهای اجتماعی (در حوزه ظاهر فرهنگ) امکان پذیر است لذا سازوکار پایش و پیمایش فرهنگی، به ضرورت براساس حرکت از ظاهر به باطن فرهنگ است.

۲- به دلیل ظرفیت پائین نظام پایش و پیمایش فرهنگی کشور، کاربرد سطوح و نیز لایه های فرهنگی، به صورت دو بدو قابل ارزشیابی است؛ لذا سطوح و لایه های چهارگانه، در دو سطح ترکیبی «ملی - عمومی» و «تخصصی - حرفه ای» و دو لایه «باور - ارزش» و «رفتار - نماد» در الگوی تیپ به کار گرفته می شوند.

۳- فرهنگ، از زاویه ای دیگر در دو سطح «فردی و اجتماعی» قابل تقسیم است که الگوی پیوست، در درجه اول، معطوف به «فرهنگ اجتماعی» و پیش بینی آثار و پیامدهای حاصل از باورها و رفتارهای فرافردی است و در درجه بعد به «فرهنگ فردی» و سازوکارهای ارزیابی آن توجه دارد.

۴- نظام شاخص ها- به عنوان مهمترین رکن الگوی تیپ - براساس منطق حاکم بر الگو، به ترتیب ذیل آرایش می گیرد:

اول- شاخص های فرهنگ فرهنگی

دوم - شاخص های فرهنگ سیاسی

سوم- شاخص های فرهنگ اجتماعی

چهارم- شاخص های فرهنگ اقتصادی

۵- نظام مندی شاخص ها، بر نظام مندی پیامدها و راهکارها تاثیر مستقیم دارد.

۶- «شاخص سازی فرهنگی» بخاطر ظرافت های حوزه فرهنگ، واقعیتی پیچیده، زمان بر و متکامل است. لذا آنچه در الگو در زمان حاضر ارائه می شود نمی تواند جز «تامین» و در نهایت، «باز تولید»

بخشی از شاخص های مورد نیاز (و به عبارت بهتر، شاخص یابی) قلمداد شود. «تولید و توسعه» کمی و کیفی این شاخص ها تا رسیدن به نقطه تعادل، نیازمند سال ها شاخص سازی مستمر است.

۷- اساس الگو، بر شناسائی دقیق سه ضلع «موثر (پدیده)، متأثر (فرهنگ) و اثر (پیامد)» تکیه دارد. شاخص ها، پرسش ها و هر رکن دیگری، برای تکمیل این شناخت سه وجهی، کاربرد دارند.

۸- الگو، وظیفه توانمند سازی پیوست فرهنگی را از طریق ایجاد ارتباط منطقی بین ابعاد سه گانه^۲ ذیل برعهده دارد.

اول- زمان: پایش و پیمایش کل فرآیند "قبل، حین و بعد" اجرای پروژه ها و طرح ها و ...

دوم- مکان: پایش و پیمایش "عمق و گستره" تحقق موضوعات،

سوم- کارآمدی: پایش و پیمایش تأثیر موضوعات بر حوزه های چهارگانه "فرهنگ فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی"،

۹- «مؤلفه های اصلی» در نظام شاخص های فرهنگی (که از آنها به شاخص های کلی نیز تعبیر می شود)، دارای سه معیار اساسی است:

اول- امکان جریان این مؤلفه ها در هر چهار حوزه فرهنگی (فرهنگ فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی) وجود دارد.

دوم- ظهور هر مؤلفه، حداقل در یکی از چهار حوزه است.^۳

سوم- هر یک از شاخص های کلان، تابعی از مؤلفه (یا شاخص کلی) مربوط به خود و هر یک از شاخص های خرد، تابعی از شاخص کلان مربوطه است.

۱۰- به دلیل پیچیدگی، تنوع، سیالیت و انعطاف فرهنگ و لایه های آن در «مناطق جغرافیایی» و نیز «موضوعات مختلف»، «احراز قطعیت» نسبت به پیامدسنجی فرهنگی، در تمامی موارد، غیر ممکن

^۱ - در ادبیات تخصصی، گاهی بین اثر و پیامد تفاوت و تفکیک قائل می شوند و در ارزیابی هر یک، فرآیند و احکام متفاوتی بار می کنند، گرچه ظرافت حوزه فرهنگ، این دقت را در تمایز اثر و پیامد اجتناب ناپذیر می کند اما در این الگو از این تمایز حقیقی، تا زمان رسیدن به بلوغ سامانه پایش و پیمایش فرهنگی، آگاهانه اغماض شده است.

^۲ - ضمناً این ابعاد، نقاط برتری پیوست فرهنگی نسبت به گزارش های ممیزی است که تاکنون در دستگاه های فرهنگی کشور تدوین می شده است.

^۳ - مانند مؤلفه «امنیت» که در حوزه فرهنگ سیاسی، و مؤلفه «تعلیم و تربیت» که در حوزه فرهنگ فرهنگی تبرز بیشتری نسبت به حوزه های دیگر دارند.

است. رضایت دادن به حداقل نتایج قطعی بلکه ظنی به ویژه در سال های اول پیوست نگاری - عقلانی و قابل دفاع قلمداد می شود.

۱۱- بنابر انتظار از الگو، توانمندی مرکز راهبری پیوست، همواره در قالب مداخلات هدفمند در حوزه سیاست ها، راهبردها، شاخص ها و استانداردهای حوزه فرهنگ بلکه غیر فرهنگ ظاهر می شود.

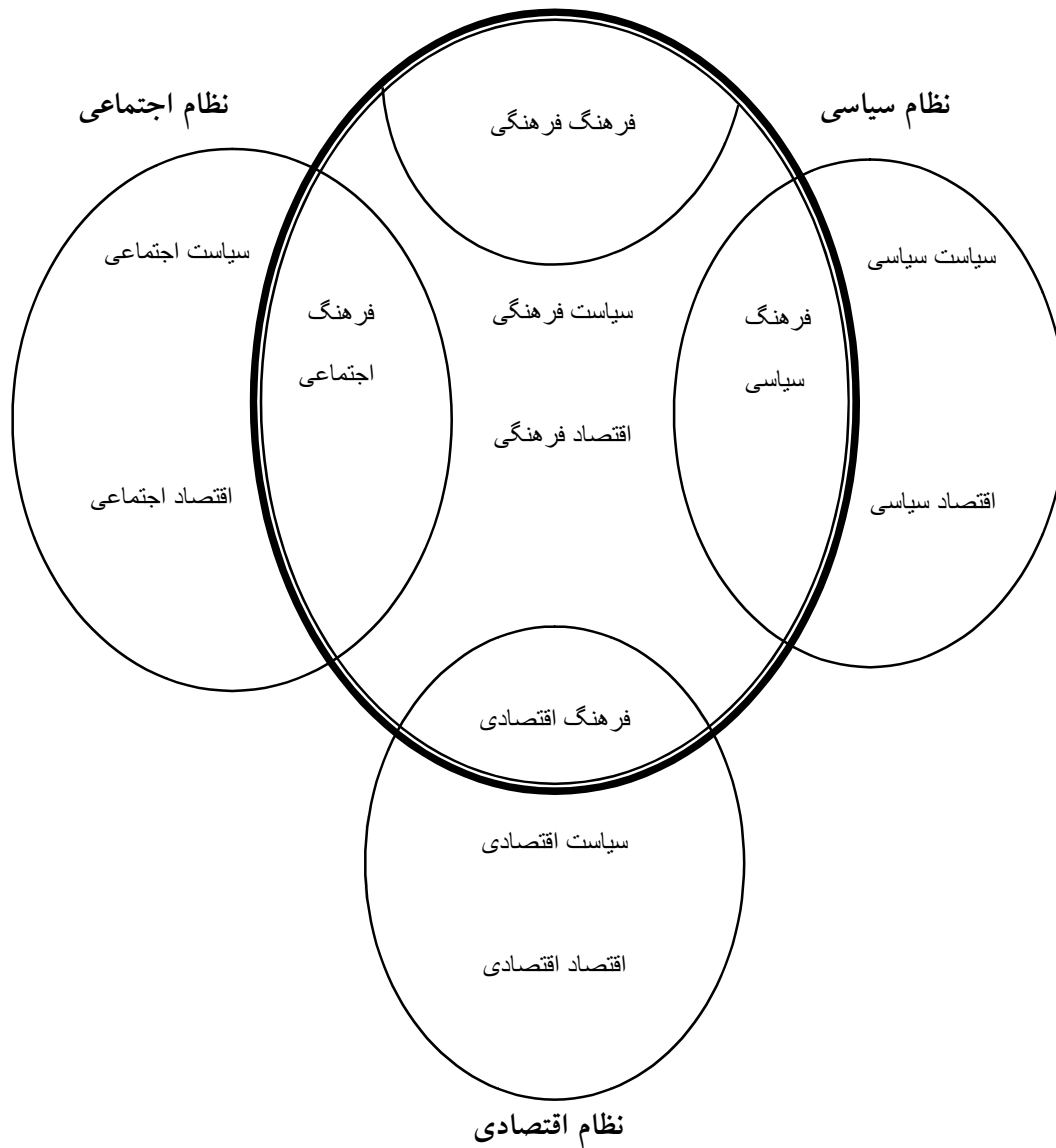
۱۲- پیوست فرهنگی با تکیه بر ظرفیت الگو، باید به تدریج تمامی جمعیت هدف را در حال و آینده پوشش دهد. لذا باید شاخص ها و سازوکار لازم برای پایش و پیمایش تنوع زیست انسانی در منطقه، شکاف نسلی و حفظ خرده فرهنگ ها تعریف شود.

۱۳- الگو برخلاف وضعیت موجود ارزیابی فرهنگی باید اصل تقدم «پیش بینی و پیش گیری» را بر «درمان و پیگیری» فرهنگی دنبال کند.

۲- گستره الگو

باتوجه به «ارکان» و «ابعاد» فرهنگی می توان گستره حضور الگوی پیوست را در رصد، نظارت و ارزشیابی موضوعات مهم به شکل ذیل ترسیم نمود:

نظام فرهنگی



نکاره ۲- گستره عملیاتی الگوی پیوست فرهنگی

چنانچه مشاهده می شود دایره بزرگ میانی (نمایانگر هر آنچه صبغه فرهنگی دارد) در حوزه عملیاتی پیوست است و هر آنچه در عرصه «سیاست سیاسی، اجتماعی و اقتصادی» و نیز «اقتصاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی» است از حدود اختیارات تعریف شده، خارج است. لذا پیوست فرهنگی، از حوزه گسترده «مهندسی و مدیریت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی»، تنها به باورها، ارزش ها، دانش ها، الگوهای رفتاری و نمادهای این سه نظام که همگی بار فرهنگی دارند و تاکنون به عاریت در حوزه اختیارات دستگاه های غیر متولی فرهنگ تعریف شده اند، نظر خواهد داشت تا از این طریق، از تداخل حضور و ماموریت دستگاه ها نیز جلوگیری شود. این نکته مهمی است که امروزه به نوعی، گریبان گیر انواع پیوست های اجتماعی، زیست محیطی و... است. به بیان دیگر هرچند ورود پیوست فرهنگی در حوزه ماموریت دیگر دستگاه ها با مقاومت اجتماعی آنها روبرو خواهد شد که چرا در عرصه سیاست ها، راهبردها، لوایح، تصمیم ها و پروژه های سیاسی یا اجتماعی یا اقتصادی، به ضرورت وارد شده است اما پر واضح است که فرهنگبانی پیوست، ممکن نخواهد بود جز از طریق حضور موثر در هر آنچه از صبغه فرهنگی برخوردار است. البته این حق، متقابل است و بر سایر دستگاهها، اجازه حضور هدفمند در بخش های سیاسی، اقتصادی و راهبردی فرهنگی نیز وجود خواهد داشت.

۳- افق زمانی

این افق برابر زمان نظام نامه تا سال ۱۴۰۴ هـ.ش است. این زمان برای به روز رسانی نظام شاخص ها و پرسش ها و تکمیل الگو، ضروری بلکه کافی است.

۴- سطوح الگو

الگوی پیوست فرهنگی در فرآیند تکاملی خود، در دو سطح تعریف خواهد شد:

اول- الگوی کاربردی

دوم- الگوی عملیاتی

هر سطح، به کارکرد خود تا مرزی که الگو، قابلیت اجراء پیدا کند تعریف می شود. گرچه در نهایت، الگوی عملیاتی، ملاک اجرای پیوست خواهد بود اما پیمودن این مسیر، برای ارائه تصویری جامع از فرآیند کمال الگو، ضروری است.

دو فصل اصلی که در پی خواهد آمد، به دو سطح الگوی پیوست اختصاص خواهد داشت:

فصل سوم - الگوی کاربردی

۱- ضرورت وجودی الگوی کاربردی

این الگو، یکی از دو سطح الگوی تیپ است که نسبت به سطح بعدی، زیر بنائی محسوب می شود. بحث از متغیرها و اوزان آنها و نیز روابط اجمالی و کارکرد خاص شان، بحث از چیستی الگوی کاربردی است و برای درک چرایی این الگو، بررسی جایگاه متغیرهای الگوی کاربردی و نقش آنها در ابزارسازی عملیاتی برای ارزشیابی پیامدهای فرهنگی (به عنوان رسالت اصلی) ضروری است. در واقع بدون الگوی کاربردی، الگوی عملیاتی و اجزاء و فرآیند آن، قابل توجیه نیست. همچنین وجود الگوی کاربردی، در دستیابی به هندسه موضوعات و پیامدها در بلندمدت، کاملاً ضروری است.

۲- متغیرهای الگوپیش فرض های آن

الگوی کاربردی، بر دو دسته متغیر در حوزه موضوع و پیامد شناسی استوار است:

- متغیرهای موضوع شناسی: موضوعات پیوست، نظامات جامعه، گستره اجرائی و گستره جغرافیایی،

- متغیرهای پیامد شناسی: لایه های فرهنگ و سطوح فرهنگی.

طراحی این سطح از الگو، از طریق روش ترکیبی قیاسی - استقرائی، انجام شده و بر پیش فرض های ذیل تکیه داشته است:

اول- الگوی کاربردی (به عنوان سطحی از منطق طراحی پیوست فرهنگی) باید بر حداقل دو دسته متغیر مربوط به «موضوعات» و «پیامدهای» آنها استوار باشد. لذا شناخت فرآیند و اجزاء موضوع شناسی و پیامدشناسی باید اساس طراحی الگوی کاربردی محسوب شود.

دوم- «موضوعات پیوست»، (سیاست ها، لایحه ها، تصمیم ها و پروژه ها)، مهمترین و اساسی ترین، متغیر در موضوع شناسی است.

سوم- «نظامات چهارگانه جامعه» (به عنوان اصل موضوعه پذیرفته شده در مهندسی فرهنگی کشور) گستره موضوعی پیوست را تعریف می کند. لذا هیچ موضوعی، خارج از این چهار نظام تعریف نمی شود.

چهارم- گستره اجرائی دستگاه ها و مراکز متولی، در چهار قالب پذیرفته شده «دولتی، عمومی، خصوصی و مردم نهاد» و تأثیر آنها در حوزه موضوع شناسی متغیردیگری است که در ارزشیابی، تأثیر مهمی دارد.

پنجم- شناخت جغرافیای تأثیر فرهنگی در موضوعات، در چهار قالب «فراملی، ملی، منطقه ای و محلی» که ناظر به جمعیت، بودجه، محدوده تأثیر و شاخص های مهم دیگری در موضوع شناسی است از دیگر متغیرها محسوب می شود.

ششم- از آنجا که فرهنگ شناسی و ارزشیابی پیامدها، رسالت اصلی است لذا با ضرب فرهنگ در نظامات، چهار بعد «فرهنگ فرهنگی، فرهنگ سیاسی، فرهنگ اجتماعی و فرهنگ اقتصادی» به عنوان گستره مأموریت تعریف می شود که نه می توان به کمتر از آن بسنده کرد و نه از آن فراتر رفت و در مأموریت دستگاه های غیرحوزه فرهنگ وارد شد.

هفتم- چون متعلق پیوست فرهنگی، زیست بوم فرهنگی جامعه است لذا می توان ابعاد وجودی انسان و جامعه (اعم از باورها، ارزشها، رفتارها و نمادها) را متغیری مهم برای شناخت پیامدهای فرهنگی دانست.

هشتم- از دیگر متغیرهای مهم پیامدشناسی، شناخت سطوح فرهنگی- شامل فرهنگ ملی، عمومی، تخصصی و حرفه ای- است. اما دلیل پذیرش این متغیر در الگوی کاربردی، ضرورت پرداختن به هر چهار سطح است به گونه ای که هدف اصلی پیوست فرهنگی، ارزشیابی «فرهنگ ملی و عمومی» است و اما نقطه شروع این تحول برای مرکز راهبری پیوست، سطح فرهنگ «تخصصی و حرفه ای» است. لذا جمع بین هدف و نقطه شروع، وجه پذیرش این متغیر را تمام می کند.

۳- فرآیند طراحی الگوی کاربردی

الگو سازی کاربردی، دارای فرآیندی چهار مرحله ای به شرح ذیل است:

اول- تعیین متغیرها

دوم- توزین ریز متغیرها

سوم- ترسیم الگوی کاربردی موضوع شناسی

چهارم- ترسیم الگوی کاربردی پیامد شناسی

پنجم- ترسیم الگوی کامل کاربردی

جهت اطلاع از جزئیات این فرآیند، به «ضمیمه شماره ۱» الگوی تیپ رجوع شود.

فصل چهارم - الگوی عملیاتی

مهمترین مرحله از روند تکاملی الگوی تیپ پیوست، طراحی الگوی عملیاتی است که به عنوان ابزار مکمل اجرایی، امکان استفاده عملی از الگوی کاربردی را در اختیار کاربران و مخاطبان پیوست - اعم از مرکز مدیریت راهبری، پیوست نگاران و مجریان طرح ها و پروژه ها - قرار می دهد.

۱- عناصر، فرآیند و خروجی ها

در طراحی الگوی عملیاتی مانند هر الگو نگاری دیگر، عناصر، فرآیند و بالاخره خروجی ها و برون دادهائی دخیل اند؛ اما عناصر و مؤلفه های دخیل در تکوین این الگو عبارت است از:

۱- مؤثر (موضوعات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مورد بررسی)،

۲- متأثر (ابعاد فرهنگ فرهنگی، فرهنگ سیاسی، فرهنگ اجتماعی و فرهنگ اقتصادی)،

۳- اثر (پیامدها و آثار فرهنگی حاصل از تحقق موضوع، از نقطه آغاز تا پس از بهره برداری)،

۴- ابزار سنجش اثر (مؤلفه ها و شاخص های ارزشیابی فرهنگی)،

۵- ابزار بازدارنده و پیش برنده اثر (راهکارها، راهبردها و سیاست های فرهنگی).

اما فرآیند طراحی الگوی عملیاتی به شرح ذیل است:

۱- شاخص نگاری، شامل تأمین، بازتولید و تولید شاخص های کلی، کلان و خرد جهت شناسایی و اولویت گذاری "موضوعات مهم" و "شناسایی و سنجش پیامدهای فرهنگی"،

۲- پرسش نگاری، شامل تدوین پرسش های عمومی و اختصاصی جهت زمینه سازی برای مفاهیم بین پیوست نگاران و مجریان پروژه ها با هدف روان سازی، ساده سازی و تناسب سازی شاخص ها با ویژگی های موضوع و پیامدهای مربوطه، در قالب فرم های نهائی پیوست فرهنگی،

۳- موضوع نگاری، شامل تفکیک، ترجیح و تدوین موضوعات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جهت دستیابی به فهرستی عملیاتی از موضوعات مهم و مهم مشمول پیوست،

و بالاخره خروجی های مورد انتظار از به کارگیری اجزای فوق که پس از فرآیند طولانی اجرای پیوست، در «قبل و بعد بهره برداری» حاصل می شود عبارتند از:

۱- مجموعه پیامدهای فرهنگی در ابعاد چهارگانه نسبت به هر موضوع،

۲- مجموعه راهکارها نسبت به هر موضوع،

۳- مجموعه گزارش های دوره ای حاصل از پیوست های گوناگون به لحاظ موضوعی، زمانی، مکانی

و...

۲- نظام شاخص ها

مهمترین رکن الگوی عملیاتی، سنجه هائی است که علاوه بر رمزگشائی از چالش ها، فرصت ها و معضلات خرد و کلان فرهنگی، امکان تجزیه و تحلیل اطلاعات کیفی و کمی بدست آمده را به مرکز راهبری و پیوست نگاران می دهد.

۲/۱- چرایی توزین شاخص ها

توزین شاخص ها از یک سو سبب وزن دهی به حساسیت های فرهنگی شناخته شده، معطوف به چالش ها و معضلات و القاء سطوح حساسیت ها به کاربران پیوست و از دیگر سو سبب پرهیز کاربران و پیوست نگاران، واعمال سلیقه گسترده درارزشیابی پیامدهاست. اما نظام مندی و کددار شدن شاخص ها، امکان ارزشیابی متوازن و هماهنگ را در تمامی مراکز و دستگاه های هدف فراهم خواهد کرد.

۲/۲- شاخص ها و ارزش ها

مبنای شاخص گذاری و تنظیم نظام شاخص ها در یک جامعه دینی، باید ارزش ها و هنجارهای دینی باشد. این نکته مهمی است که همواره در فرآیند مطالعات و مدیریت فرهنگی معمول، از آن غفلت شده است.

باپذیرش این اصل، نظام شاخص های پیوست فرهنگی بر دو پایه تنظیم می شود:

۱- شاخص های کلی، بر پایه "ارزش های دینی"،

۲- شاخص های کلان و خرد، بر پایه "هنجارهای دینی".

و البته هر دو سطح همچنان در چهار حوزه "فرهنگ فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی"، جاری است. لذا نظام شاخص های پیوست که اساس پایش و پیمایش فرهنگی است از یک سو سطوح و ابعاد خود را از مبانی دینی اخذ می کند و از دیگر سو ضمن استفاده از تجارب ارزنده بشری در این زمینه، با تغییر اوزان شاخص ها، نظمی نوین در صدر و ذیل شاخص های پایه و سازه ایجاد می کند.

طبعاً از آنجا که وزن شاخص ها ، در وزن آثار و پیامدهای فرهنگی ناشی از تک تک موضوعات پیوست، دخالت مستقیم دارد لذا اطمینان بیشتری برای پیامدسنجی بر معیارهای ارزشی ایجاد خواهد شد.

این مبنا حتی در توزین چهار حوزه فرهنگی نیز جاری است. در واقع در نگاه دینی، چون نظام مطلوب فرهنگی، مقدم بر دیگر نظامات است و اقتصاد، در رتبه آخر نظام مطلوب اسلامی است لذا فرهنگ فرهنگی، بر هر سه حوزه دیگر، تقدم دارد و فرهنگ اقتصادی در پائین ترین مرتبه قرار می گیرد. دو فرهنگ سیاسی و اجتماعی نیز به دلیل سهم تأثیرشان در نظام فرهنگی، به ترتیب در رتبه های میانی جای می گیرند.

با این وصف، مبانی ارزشی دینی، زنجیره وار، تأثیر خود را بر عناصر ذیل - مستقیم یا غیرمستقیم - خواهد داشت:

۱- توزین چهار بعد فرهنگی،

۲- توزین شاخص های بزرگ و کوچک،

۳- توزین نظام پیامدهای فرهنگی.

۲/۳- شاخص ها و داده ها^۱

شاخص ها، محور فرآیند داده پردازی با هدف ارزشیابی دقیق پیامدهای فرهنگی است. این فرآیند در چهار مرحله تعریف می شود:

۱- گردآوری

۲- طبقه بندی

۳- تحلیل

۴- استنتاج

از این روش شاخص ها، نقش اصلی را در منطقی کردن چهار مرحله فرآیند داده پردازی، با هدف ارزشیابی دقیق پیامدهای فرهنگی ایفا می کنند و پیوست نگار را در گزینش اطلاعات مناسب، از بین انبوه اطلاعات فرارو و نیز تحلیل آنها تا حصول نتیجه و شناخت پیامدها یاری می رسانند. فقدان شاخص ها، ناکامی در گزینش داده ها و سنجش پیامدها را بدنبال خواهد داشت. فرآیند چهار مرحله

^۱ - در اینجا، اعم از داده ها و اطلاعات مورد نیاز برای پیامد سنجی فرهنگی است.

ای داده پردازی بر پایه شاخص ها، در هر سه مرحله اصلی «تبیین، تشخیص و تجویز» منطقی خواهد شد و از این طریق می توان به ترتیب، به سه نتیجه مورد نظر در شناخت «موضوع، پیامد و راهکار» نائل شد.

۲/۴- انواع شاخص ها

اما شاخص ها به ترتیب، در طبقات ذیل تعریف می شوند:

۱- **شاخص های کلی** که نمایانگر چالش های اصلی حوزه فرهنگ است و تاکنون در ۱۰ مؤلفه ارزشی تعریف شده است. قوام نظام شاخص ها به این مؤلفه ها وابسته است. این شاخص ها، «پایه» گردآوری اطلاعات مورد نیاز پیامدشناسی تا مرحله استنتاج از این اطلاعات است.

۲- **شاخص های کلان** که نمایانگر عناوین اصلی فرصت ها و تهدیدهای فرهنگی است و در تبیین شاخص های کلی تأثیر زیادی دارند. تعادل و عدم تعادل فرهنگی موضوع را می توان از این شاخص ها و جمع بندی نهائی اطلاعات و آمارمربوطه روشن کرد. شاخص های کلان، از قابلیت بیشتری نسبت به شاخص های کلی، درسنجش برخوردار است.

۳- **شاخص های خرد** که نمایانگر بعد کیفی و کمی مسائل خرد است و در ارزشیابی کیفی چهار فرهنگ مؤثر است.

روشن است که شاخص های کمی در ارزشیابی دقیق پیامدهای فرهنگی و تعیین رتبه و نظام مندی آنها مؤثر است. این شاخص ها، ابزار عملیات نهائی سنجش و نمایش واقعیت های محیطی حوزه فرهنگ در دو سطح «خرد و کلان» است؛ با این توضیح که سطح خرد شاخص های کمی، از کارآمدی بیشتری در ارزشیابی دقیق و نقطه ای نسبت به ابعاد مبهم و پیچیده فرهنگ برخوردار است.

نگاره ۳، ترسیم گر آرایش انواع شاخص های کلی، کلان و خرد (کیفی و کمی) است:

جهت اطلاع و استفاده از نظام شاخص های فرهنگی پیوست، به این بسته عملیاتی رجوع شود.

جدول ارزشیابی						شاخص های خرد					نظرات	(حسابی) کار
						مردود ۰-۱۰	ضعیف ۱۰-۱۲	متوسط ۱۲-۱۴	خوب ۱۴-۱۶	خیلی خوب ۱۶-۱۸		

۲/۵- روش پیامدسنجی (ارزشیابی فرهنگی موضوع)

پس از شناسایی دقیق موضوع (براساس الگوی کاربردی) و پرسش های مندرج در فرم های پیوست -اعم از شناخت زمینه های پیشینی، ویژگی های درونی و محیط های بیرونی موضوع- شناخت و سنجش پیامدهای فرهنگی امکان پذیر خواهد شد. شناخت پیامدها در ارتباط مستقیم با موضوع شناسی است که هر چه دقیق تر صورت گیرد امکان پیش بینی پیامدهای ناشی از آن، بیشتر خواهد شد.

اما معیار اصلی «شناخت و سنجش پیامدها»، چیزی جز نظام شاخص ها نیست که علاوه بر جهت دادن به ذهن پیوست نگار و مجری، در پرسش گری و پاسخ دهی براساس مبانی ارزشی، ایشان را در استفاده از هر شاخص کلان یا خرد که نماینده یک فرصت یا مشکل فرهنگی است یاری می رساند. لذا پیوست نگار با اشراف بر موضوع و استفاده از معیارهای شاخص گزینی (که در پایان همین فصل خواهد آمد) به گزینش مناسب ترین شاخص ها برای یافتن مهمترین پیامدها متناسب با ویژگی های کشف شده موضوع، مبادرت و از این طریق، زنجیره پیامدشناسی را کامل می کند. اما سنجش کیفی یا کمی این پیامدها با استفاده از فرآیند زیر صورت می گیرد:

۱- پرکردن جدول ارزشیابی نظام شاخص ها و تعیین امتیاز (نمره) کیفی یا کمی روبروی هر شاخص^۱،

۲- تعیین امتیاز نهائی نسبت به هر یک از شاخص های کلی ده گانه،

۳- تطبیق امتیاز نهائی با استانداردهای مربوط در هر یک از شاخص های ده گانه.

روشن است که استانداردها، ناظر به نقطه تعادل فرهنگی موضوع است اما اعداد یا سطح کیفی بدست آمده در پیامدشناسی، ناظر به وضعیت موجود پدیده است. اگر فاصله ای بین این دو عدد وجود نداشته باشد طبعاً پیامدسنجی و ارزشیابی فرهنگی موضوع، مثبت تلقی می شود و حکم تصویب سیاست یا لایحه یا مصوبه و یا حکم اجراء یا بهره برداری از پروژه، بدون اصلاحات، صادر خواهد شد. در غیر این صورت، موضوع یا رد می شود یا مجبور به اعمال راهکارهای اصلاحی برای رسیدن به استاندارد پیش بینی شده می گردد.

اما تعیین استانداردها باید با ملاحظه شرائط زمانی و مکانی در سه وضعیت کوتاه، میان و بلند مدت باشد. طبعاً در شرائط تاسیس سامانه پیوست فرهنگی، نوعی تسامح و اغماض نسبت به پذیرش کامل

^۱ منظور، هر شاخصی است که برای پیامدشناسی موضوع هدف، گزینش و مورد استفاده قرار گرفته است

یا مشروط موضوعات، ضروری است؛ همچنان که نوعی سخت گیری هدفمند و منطقی، در بلند مدت، قابل توجیه است.

نگاره ۴، حداقل استانداردها را در سه وضعیت و سه زمان مذکور منعکس کرده است:

وضعیت / زمان	پذیرش کامل	پذیرش مشروط	عدم پذیرش
کوتاه مدت (۰-۲ سال)	متوسط تا عالی ۱۲-۲۰	مردود تا ضعیف ۶-۱۲	مردود ۰-۶
میان مدت (۲-۷ سال)	خوب تا عالی ۱۴-۲۰	مردود تا متوسط ۸-۱۴	مردود ۰-۸
بلند مدت (۷-۱۵ سال)	خیلی خوب تا عالی ۱۶-۲۰	ضعیف تا خوب ۱۰-۱۶	مردود ۰-۱۰

نگاره ۴- استانداردهای پذیرش یا عدم پذیرش موضوعات ارزیابی شده

البته برای اعمال دقت و کارائی بیشتر در نظام استانداردها، ضروری است برای کوتاه، میان و بلند مدت و با استفاده از منطق فازی، نوعی تفکیک- متناسب با مقاومت دستگاه ها و پیشرفت فرهنگ سازی نسبت به پیوست فرهنگی- در خصوص چهار موضوع مشمول (یعنی سیاست ها، لوايح، تصمیمات و پروژه ها) نیز تدوین و اعمال گردد. طبعاً در این حال، استانداردهای فوق، متناسب با شرایط محیطی موضوعات چهارگانه، باز تعریف خواهند شد. اصولاً نقش استانداردها همواره تغییر زیست بوم انسانی در جهت ارزش های پذیرفته شده یک جامعه است و تغییر در آنها، امری پذیرفتنی و ضروری است.

چنانچه در نگاره ۴ مشاهده شد روبروی هر شاخص، اوزان کیفی (از عالی تا مردود) و معادل کمی آنها (از ۰-۲۰) وجود دارد که امر ارزشیابی را برای پیوست نگاران، نسبت به هر موضوع تسهیل می کند. در واقع با گزینش شاخص های متناسب با موضوع (از میان صدها شاخص خرد) می توان زمینه سنجش تاثیر موضوع را در هر یک از آنها فراهم کرد. از آنجا که هر شاخص می تواند نمادی از یک پیامد مثبت و منفی برای موضوع باشد لذا هر امتیازی که در جدول ارزشیابی، روبروی

شاخص‌گزینش شده درج می‌شود دلالت بر ارزش پیامد مورد انتظار (در مرحله قبل و حین بهره برداری) و یا محقق شده (در مرحله بعد از بهره برداری) دارد.

نکته مهم در این میان، نحوه جمع بندی امتیازات نهائی موضوع مورد بررسی است که به دو روش ذیل صورت می‌گیرد:

اول- معدل گیری حسابی: به گونه ای که جمع امتیازات تمامی شاخص های گزینش شده یک موضوع، بر تعداد شاخص ها تقسیم شود و عدد نهائی، وزن کل پیامدهای مثبت و منفی مربوط به موضوع تلقی گردد. شایان ذکر است که از این شیوه می‌توان به «معدل گیری غیر وزن دار» نیز تعبیر کرد. چرا که در اینجا وزن شاخص، در محاسبه دخالت داده نمی‌شود.

دوم- معدل گیری وزنی: به گونه ای که وزن هر یک از شاخص ها، در امتیازات نهائی و معدل گیری از آنها دخالت داده شود. در این حال معادله چنین خواهد بود:

$$\text{وزن نهائی پیامدهای مثبت و منفی موضوع} = \frac{\text{امتیاز درج شده روبروی شاخص ها} \times \text{ضرائب اوزان شاخص های مربوطه}}{\text{تعداد کل شاخص ها}}$$

تعداد کل شاخص ها

البته از آنجا که، ضرائب شاخص ها در قالب اوزان ابعاد چهارگانه فرهنگی، از ۴ (مربوط به فرهنگ فرهنگی) تا ۱ (مربوط به فرهنگ اقتصادی) آرایش می‌گیرد لذا همین ضرائب با توجه به تعیین بُعد فرهنگی هر یک از شاخص ها^۱ می‌تواند در شیوه دوم محاسبه گردد.

۲/۵/۱- روش پیامد سنجی کوتاه مدت

اما نکته مهم دیگر ظرفیت اجتماعی، انسانی، نرم افزاری و سخت افزاری پیوست در شرایط کنونی است که ما را به ساده ترین شیوه های پیامد سنجی تا چند سال آتی (حداقل تا میان مدت) دلالت می‌کند. گرچه ضریب خطای این شیوه ها بالاست و نظر مطالبه گران از پیوست را تامین نخواهد کرد ولی زمینه مناسبی برای تدقیق و تعمیق درسنجش پیامدها در زمان مناسب پیش رو فراهم خواهد کرد.

لذا علیرغم کارآمدی نظام شاخص های پیوست برای بلند مدت، پیشنهاد می‌شود از ساده ترین شیوه که همانا: استفاده از محاسبه کیفی امتیازات با کلان ترین شاخص ها در کوتاه مدت است استفاده شود. با این وصف اولاً نظام شاخص ها با صدها سنجه خرد و کلان عملاً به کمتر از ۱۰ مولفه ارزشی (شاخص کلی) و حدود ۷۰ شاخص کلان که پایه نظام شاخص ها نیز محسوب می‌شود محدود می‌گردد و ثانیاً با پرهیز از محاسبه کمی امتیازات که علیرغم دقت و کیفیت، از سختی

^۱ ر. ک نظام شاخص های پیوست فرهنگی (ضمیمه الگوی پیوست)

و پیچیدگی زیادی در زمان حاضر برخوردار است به محاسبه کیفی همان شاخص های کلان و محدود (از عالی تا مردود) بسنده می شود. این شیوه پیامد سنجی برای کوتاه مدت، به ویژه مرحله آزمایشی (پایلوت) موضوعات محدود، یک ضرورت و برای میان مدت، یک پیشنهاد قابل بررسی محسوب می گردد تا رفته رفته زمینه استفاده کامل از نظام شاخص ها و تکمیل آنها، به علاوه بهره مندی از محاسبات دقیق کمی امکان پذیر شود.

نگاره ۵، به مولفه های ۱۰ گانه و شاخص های کلان مذکور اختصاص دارد. وجود ابهام در این شاخص ها، با رجوع به شاخص های خرد کیفی و کمی (در نظام شاخص ها) بر طرف خواهد شد اما در کوتاه مدت، تنها به محاسبه کیفی همین شاخص های کلان اکتفا می شود.

بیان این نکته ضروری است که ۱۰ شاخص کلی براساس ترتیب ابعاد چهارگانه فرهنگی و به صورت ذیل آرایش گرفته اند:

۱- فرهنگ فرهنگی: هویت، عدالت، تعلیم و تربیت

۲- فرهنگ سیاسی: آزادی، استقلال، امنیت

۳- فرهنگ اجتماعی: مدیریت، نظم و انضباط، ارتباطات

۴- فرهنگ اقتصادی: کار آمدی

با این وصف، وزن هر یک از ۱۰ مولفه با دیگری متفاوت است؛ چه اینکه حتی سه مولفه ذیل فرهنگ اجتماعی (با ضریب ۲) از وزن آن متاثر می شوند و براساس نظم درونی خود، به ترتیب با ضرائب ۱، ۲، ۳، فرعی، ذیل ضریب ۲ اصلی شناخته خواهند شد.

۹) ارتباطات (فرهنگ اجتماعی)

- ۹-۱- تفاهم
- ۹-۲- تعامل
- ۹-۳- اطلاعات
- ۹-۴- رسانه
- ۹-۵- جمعیت
- ۱۰) **کارآمدی (فرهنگ اقتصادی)**
- ۱۰-۱- اقتصاد فرهنگ
- ۱۰-۲- فرهنگ تولید
- ۱۰-۲-۱- تولید صنعتی
- ۱۰-۲-۱- تولید کشاورزی
- ۱۰-۳- فرهنگ تجارت
- ۱۰-۳-۱- تجارت داخلی
- ۱۰-۳-۲- تجارت خارجی
- ۱۰-۴- فرهنگ خدمات
- ۱۰-۴-۱- خدمات فنی و حرفه‌ای
- ۱۰-۵- فرهنگ خود کفایی
- ۱۰-۵-۱- ثبات سرمایه
- ۱۰-۵-۲- ثبات کالا
- ۱۰-۵-۳- ثبات پول

۵) استقلال (فرهنگ سیاسی)

- ۵-۱- باور به اقتدار سیاسی
- ۵-۲- باور به اقتدار نظامی
- ۵-۳- خودباوری
- ۶) **امنیت (فرهنگ سیاسی)**
- ۶-۱- فرهنگ امنیت عمومی
- ۶-۲- فرهنگ ایمنی

۷) مدیریت (فرهنگ اجتماعی)

- ۷-۱- سیاست فرهنگ
- ۷-۲- فرهنگ سرپرستی و سازماندهی
- ۷-۳- فرهنگ نظارت و ارزیابی
- ۷-۴- فرهنگ برنامه ریزی و سیاست گذاری
- ۷-۵- فرهنگ توازن ساختار

۸) نظم و انضباط (فرهنگ اجتماعی)

- ۸-۱- قانون
- ۸-۲- مسئولیت

۳) تعلیم و تربیت (فرهنگ فرهنگی)

- ۳-۱- دیانت
- ۳-۲- علم و فناوری و هنر
- ۳-۲-۱- پژوهش
- ۳-۲-۲- آموزش
- ۳-۲-۳- تبلیغ
- ۳-۲-۴- بهره‌وری
- ۳-۲-۵- سرمایه‌ها
- ۳-۲-۶- خلاقیت و نوآوری
- ۳-۲-۷- مطالعه و یادگیری
- ۳-۲-۸- انتشارات
- ۳-۲-۹- محصولات علمی، هنری
- ۳-۲-۱۰- فضاهای علمی
- ۳-۳- بصیرت
- ۳-۴- فرهنگ فراغت و ورزش
- ۴) **آزادی (فرهنگ سیاسی)**
- ۴-۱- فرهنگ مشارکت
- ۴-۲- فرهنگ آزاد اندیشی
- ۴-۲-۱- آزادی اندیشه، قلم و بیان
- ۴-۲-۲- آزادی رفتار و نماد

۱) هویت (فرهنگ فرهنگی)

- ۱-۱- دینی - انقلابی
- ۱-۱-۱- ولایت
- ۱-۱-۲- کرامت
- ۱-۱-۳- سنت‌های دینی
- ۱-۱-۴- روحیه انقلابی
- ۱-۱-۵- وحدت
- ۱-۱-۶- خانواده
- ۱-۱-۷- اماکن
- ۱-۲- ملی
- ۱-۲-۱- عزت
- ۱-۲-۲- همبستگی
- ۱-۲-۳- سنت‌های ملی
- ۱-۲-۴- اماکن

۲) عدالت (فرهنگ فرهنگی)

- ۲-۱- موازات
- ۲-۱-۱- همبازی
- ۲-۲- مساوات
- ۲-۲-۱- حقوق
- ۲-۲-۲- فساد
- ۲-۳-۱- مفاسد و ناهنجاری‌های اخلاقی - فرهنگی
- ۲-۳-۲- مفاسد و ناهنجاری‌های سیاسی - امنیتی
- ۲-۳-۳- مفاسد و ناهنجاری‌های اجتماعی
- ۲-۳-۴- مفاسد و ناهنجاری‌های اقتصادی - مالی

تکراه ۵- مولفه‌ها و کلان شاخص‌های پیوست فرهنگی

۲/۶- معیارهای شاخص‌گزینی

تنوع موضوعات مشمول پیوست از یک سو و تعدد شاخص‌ها از دیگر سو، راهی جز‌گزینش مناسب‌ترین شاخص‌ها با توجه به ویژگی‌های اختصاصی هر یک از موضوعات باقی‌نمی‌گذارد. البته این بحث با نگرانه ۵ و روش پیامد‌سنجی کوتاه‌مدت کاملاً مرتبط است. در آنجا به دلیل ضرورت شرایط کوتاه‌مدت، کلان‌ترین شاخص‌ها به‌عنوان ابزار سنجش پیامدها پیشنهاد شد و در اینجا از معیارهای شاخص‌گزینی بحث می‌شود که عمدتاً ناظر به میان و بلندمدت است. هر چند در بحث قبلی، از بکارگیری شاخص‌های غیر کلان، منعی نشده بود و صرفاً یک پیشنهاد موثر بود که در این حال طبعاً می‌توان از معیارهای ذیل نیز برای کمک به انتخاب شاخص‌ها در کوتاه‌مدت بهره‌جست.

نکته مهم دیگر، دو کارکرد متفاوت معیارهای‌گزینش - مانند معیارهای‌گزینش موضوعات - است که دسته‌ای برای "تفکیک" مناسب‌ترین شاخص‌ها از بین انبوه شاخص‌ها و دسته‌ای برای "ترجیح" و اولویت‌گذاری از بین شاخص‌های تفکیک‌شده و مناسب^۱، کاربرد دارند. طبعاً پیوست‌نگار به هر دو دسته معیار نیازمند است که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود؛ با این توضیح ضروری که برخی از معیارها، برای بلندمدت کاربرد ندارند.

۲/۶/۱- معیارهای تفکیک شاخص‌ها

اول - عملیاتی بودن شاخص‌ها، به گونه‌ای که تنها شاخص‌هایی که "بی‌واسط" یا "حداکثر با یک واسط"، ابزار ارزشیابی موضوع باشند عملیاتی شناخته می‌شوند و در پیوست‌نگاری، از آنها استفاده خواهد شد. لذا آن دسته از شاخص‌ها نسبت به موضوع مورد بررسی که با بیش از یک واسط، برای ارزشیابی قابلیت دارند متناسب و سازگار قلمداد نمی‌شوند. این معیار، برای بلندمدت نیز کاربرد دارد.

دوم- ظاهری بودن شاخص‌ها، به گونه‌ای که از این دسته از شاخص‌ها عمدتاً برای ارزیابی ظاهر فرهنگ (رفتار و نماد) استفاده می‌شود. اصولاً نگارش پیوست و پذیرش آن در جوامع هدف، نیازمند تدریج است که قطعاً شروع از شاخص‌های باطنی و درونی فرهنگ (باورها و ارزش‌ها) بسیار سخت می‌نماید. البته این معیار در کوتاه‌مدت و حداکثر میان‌مدت، از کاربرد بیشتری برخوردار است؛ چرا که مرکز راهبری باید بتواند در سال‌های پایانی چشم‌انداز ۱۴۰۴ش. با ارتقاء توان شاخص‌سازی

۱ وجود شاخص‌های ترجیحی به ویژه در کوتاه‌مدت بلکه میان‌مدت که فرهنگ‌سازی و پذیرش اجتماعی لازم نسبت به پیوست وجود ندارد و لذا ارزشیابی موشکافانه فرهنگی، امکان‌پذیر نیست ضرورت خود را بیشتر نشان می‌دهند.

درون سازمانی و فرهنگ سازی برون سازمانی، زمینه استفاده بهینه از شاخص های باطنی را نیز فراهم آورد.

سوم- متفاوت بودن پیامدها، به گونه ای که این امر، تابع تفاوت ویژگی ها و شرایط محیطی "قبل، حین و بعد بهره برداری" است. لذا طبیعی است اگر ادعا شود تفاوت ویژگی های موضوع (پیش و پس از بهره برداری)، تفاوت پیامدها را در این دو فاز اصلی نگارش پیوست رقم می زند و دو سطح از شاخص های کمی و کیفی را برای پیمایش این تفاوت پیامدی طلب می کند.

به بیان ساده تر، به دلیل تغییر کیفی و کمی در شرایط محیطی «قبل، حین، بعد» که منجر به ظهور پیامدهای جدید یا حداقل، شدت و ضعف پیامدها در فرآیند اجرای پروژه می شودگزینه نوع یا سطح دیگری از شاخص ها- متناسب با کیفیت و کمیّت تغییرات- ضروری می نماید. طبعاً اگر در روند اجرای یک پروژه، هیچ تغییری در شرایط و پیامدها روی ندهد این معیار کارائی خود را برای گزینش شاخص ها از دست خواهد داد. در این صورت باید به دومعیار فوق، برای تفکیک، بسنده کرد.

۲/۶/۲- معیارهای ترجیح شاخص ها

اول- تناسب بین پیامد و موضوع، به گونه ای که بتوان براساس اطلاعات حاصل از موضوع شناسی، کارآمدترین شاخص ها را متناسب با این اطلاعات به کار گرفت. البته این کارآمدی نیز به گزینش حوزه فرهنگی مربوطه بازمی گردد؛ لذا مثلاً موضوعات اقتصادی، توسط اکثر شاخص های فرهنگ اقتصادی، قابل ارزشیابی هستند و امکان اولویت گذاری این شاخص ها در این حوزه برای چنین موضوعاتی، فراهم تر است.

دوم- محور بودن شاخص های فرهنگ فرهنگی، به گونه ای که امکان ترجیح این شاخص ها به دلیل منزلت این حوزه نسبت به سه حوزه "فرهنگ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی"، بیشتر از دیگر شاخص هاست؛ هر چند امکان استفاده از تمامی شاخص های فرهنگ فرهنگی همچنان برای تمامی موضوعات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی وجود نداشته باشد.

سوم- هنجاری بودن شاخص ها، به گونه ای که شاخص به صورت شفاف و مستقیم، دلالت بر هنجارهای مثبت یا منفی در جامعه کند. اما آن دسته از شاخص ها که صرفاً توصیف گر وضعیت فرهنگی هستند و دلالت مستقیم بر هنجارها ندارند در اولویت بعدی قرار می گیرند.

چهارم- محوری بودن دیدگاه رهبری، به گونه ای که شاخص های مورد تأکید مقام معظم رهبری (حفظ الله) و امام راحل (ره) معیار دیگری برای ترجیح خواهد بود. طبعاً تحقق این مهم، به تدوین شاخص های فرهنگی از لابلای کلمات نظام رهبری انقلاب اسلامی، وابسته است.

۳- راهکارهای اصلاحی

از مهمترین اجزا اصلی الگوی عملیاتی است که نقش پایانی را در عملیات سنجش فرهنگی نیز ایفا می کند. تنظیم و تدوین راهکارهای متنوع، در طول زمان نسبت به انواع موضوعات و دستیابی به نظام راهکارها قطعاً پیوست نگاران را به ویژه پیش بینی و پیش گیری راهکارهای مشابه، یاری خواهد کرد.

۳/۱- چرایی راهکارها

از آنجا که ارزیابی «پذیرش مشروط»، بسیاری از موضوعات قابل پذیرش اما نیازمند راهکار اصلاحی را در بر می گیرد لذا فقدان راهکارها به معنای حذف این دسته از موضوعات ارزیابی شده است.

۳/۲- راهکارها و سیاست ها

ارائه راهکارهای هدفمند، به دور از اعمال سلیقه های پیوست نگاران و مجریان، باید ذیل معیارهایی انجام شود. وجود نظام شاخص های پیوست، قطعاً بخش مهمی از این معیارهاست که علاوه بر سنجش پیامد، پیوست نگار را در انتخاب بهترین و موثرترین راهکارها نیز یاری می رساند. لذا می توان ادعا کرد نظام شاخص ها، مهمترین ابزار پیامد شناسی و یکی از ابزارهای موثر در راهکار شناسی است. اما مهتر از نظام شاخص ها، آنچه راهکار شناسی را جهت و تحقق می بخشد، سیاست ها و راهبردهای مصوب کشوری در بخش فرهنگ و غیر فرهنگ است که علاوه بر افزایش دقت موضوع شناسی، معیار مناسبی برای تبیین راهکارهای اصلاحی محسوب می شود. این نگاه، هم در تحقق سیاست ها و راهبردها که بسیاری از آنها به فراموشی و فرسایش مبتلا می شوند و هم در ارزیابی توانمندی و ظرفیت کلی سیاست ها و راهبردها، نظام مندی و عدم نظام مندی آنها و سهم تاثیرشان در ایجاد پیامدهای مثبت و منفی فرهنگی، موثر است. فراموش نباید کرد که سیاست های کشور، اسناد بالا دستی نسبت به برنامه های ۵ و ۱ ساله و اسناد میان دستی نسبت به چشم انداز ۲۰ ساله نظام اسلامی است که علاوه بر رصد ظرفیت آنها، در راهکارشناسی نیز تاثیر بسزائی خواهد داشت. و البته به دلیل همین جایگاه است که سیاست ها و راهبردها، هم معیاری برای راهکارشناسی است و هم موضوعی برای پیامد شناسی؛ (آنجا که درکنار لوایح و تصمیمات یا پروژه ها قرار می گیرند) می باشد. روشن است آنجا که به سیاست ها نیز به دید «معیار» و نه «موضوع» نگرسته می

شود باز نوعی عملیات سنجش نسبت به آنها انجام می شود که این، ظرفیت مناسب پیوست فرهنگی را در رصد و ارزیابی سرچشمه های تولید انواع پیامد فرهنگی، بیش از پیش ثابت می کند.

۴- نظام پرسش ها

۴/۱- چرایی نظام پرسش ها

از اجزاء اصلی الگوی عملیاتی پیوست، نظام پرسش هاست و ضرورت وجودی آن، در دو وجه ذیل است:

اولاً به عنوان زمینه جریان شاخص ها در فرآیند موضوع شناسی و پیامد شناسی و راهکارشناسی، باعث فعال شدن شاخص ها می گردد.

ثانیاً به عنوان ابزار استفهام، به لزوم مفاهمه بین عناصر حوزه صفت- یعنی «پیوست نگاران» به عنوان نمایندگان رسمی مرکز راهبری پیوست و "مجریان" لایحه ها، تصمیم ها و پروژه ها به عنوان نمایندگان رسمی مراکز حقوقی و حقیقی - باز می گردد.

۴/۲- ارتباط کارکردی شاخص ها و پرسش ها

الگوی تیپ پیوست، هم در طراحی نظام مند شاخص ها و پرسش ها و هم در تبیین ارتباط منطقی بین دو نظام مزبور، نقشی مهم بر عهده دارد.

ارتباط بین دو نظام، منطقی، حقیقی و مستقیم است؛ به گونه ای که شاخص ها، زمینه ایجاد و جهت حاکم بر پرسش هاست و پرسش ها، محتوای فرم های پیوست و ابزار مفاهمه برای پایش و پیمایش روان و دقیق موضوعات مهم محسوب می شود.

۴/۳- اصول و ویژگی های نظام پرسش ها

۱- متعلق پرسش ها، "موضوعات، پیامدها و راهکارهاست" لذا از آنها در سه مرحله "تبیین موضوعات، تشخیص پیامدها و تجویز احکام"^۱ استفاده می شود.

۲- هر پرسش، الزاماً معادل یک شاخص نیست اما برای پاسخ به هر یک، استفاده از حداقل یک شاخص برای شناسایی پیامدها ضروری است.

۱ منظور، احکام اجراء و بهره برداری از پروژه هاست.

۳- بخشی از پرسش‌ها، ناظر به راهکارهای اصلاحی است و راهکارها، غالباً مقدمه‌ای ضروری برای تجویز احکام اجرا و بهره‌برداری از پروژه یا تصمیم یا لایحه یا سیاست می‌باشد. در عین حال سیاست‌ها و راهبردهای فرهنگی، مهمترین شاخص برای سنجش صحت و سقم یا نقص و کمال پاسخ‌ها در مرحله راهکارشناسی است.

۴- پرسش‌ها، ناظر به مراحل "قبل"، "حین" و "بعد" بهره‌برداری نیز هست. ویژگی‌های متفاوت این سه مرحله زمانی، بر کم و کیف پرسش‌ها مؤثر است؛ چه اینکه:

۴/۱- مرحله قبل^۱ اجرا، بر «اطلاعات کاغذی» در مرحله عدم تحقق عینی موضوع استوار است؛ لذا این دسته از پرسش‌ها ناظر به «پیش‌بینی» پیامدهاست.

۴/۲- مرحله حین اجرا، بر «اطلاعات کاغذی و میدانی» در مرحله جریان تحقق عینی استوار است؛ لذا این دسته از پرسش‌ها، ناظر به «پیش‌گیری» از پیامدهای منفی و تقویت پیامدهای مثبت است.

۴/۳- مرحله بعد اجرا، بر «اطلاعات میدانی» در مرحله پس از تحقق کامل موضوع استوار است؛ لذا این دسته از پرسش‌ها ناظر به «پی‌گیری و بازخوردگیری» از پیامدهای محقق شده و زمینه‌ای برای تهیه گزارش‌های دوره‌ای نظام مند و کامل است.

۵- پرسش‌ها، چون ناظر به هر دو وجه پیش‌برندگی و بازدارندگی هستند لذا هر دو شکل سلب و ایجاب را پوشش می‌دهند.

۶- پرسش‌های مندرج در فرم‌ها، پرسش‌های مشترک، اصلی و ناظر به مهمترین اطلاعات قابل درخواست است. اما پیوست‌نگار، متناسب با موضوع، شرایط محیطی و حوزه تخصصی خود، از اختیار لازم در طرح پرسش‌های تکمیلی تخصصی، حین پیوست‌نگاری برخوردار است.

۷- نکته مهم‌تر آنکه، اگر سخن از مجموعه پرسش‌ها به میان می‌آید الزاماً به معنای طراحی صدها پرسش ریز و درشت و طبقه‌بندی شده در فرم‌های پیوست نیست. بلکه بدان معناست که پرسش‌ها، مبتنی بر جهت شاخص‌ها و نظام حاکم بر آنهاست تا از این طریق، امکان ارزشیابی دقیق و کمی پرسش‌های موضوع‌شناسی، پیامدشناسی و راهکارشناسی روشن شود. در واقع پاسخ‌گویی

^۱ منظور، آغاز ارزشیابی فرهنگی از یک سیاست، لایحه یا مصوبه یا پروژه است.

به پرسش های فرم پیوست، مستلزم استفاده از اطلاعات و آمار کیفی و کمی است که از طرح نامه ها و منطقه هدف بدست می آید.

۸- پرسش ها- به ویژه سوالات ناظر به شناخت و سنجش پیامدها- ناظر به ۶ محور (کی، کی، کجا، چه، چگونه، چرا) به شرح ذیل می باشد:

۸/۱- چه پیامدهای فرهنگی (اعم از فرهنگ فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی)

۸/۲- در چه زمانی (قبل، حین و بعد از اجرا و بهره برداری، یا در چه ماه و سالی)

۸/۳- در چه مکانی (محل، منطقه و کشوری)

۸/۴- نسبت به چه کسانی (متخصصان و عموم مردم و نیز ذی نفعان رسمی)

۸/۵- چرا (دلایل موافقان و مخالفان در واکنش به موضوع و پیامدهای آن)

۸/۶- چگونه (شدت، کیفیت و سازوکار ایجاد پیامد و نحوه واکنش مخاطبان و ذی نفعان بر موضوع)

در جهت پیش بردگی یا بازدارندگی، قابل انتظار است در این رابطه، برخورد ایجابی و سلبی مرکز راهبری پیوست فرهنگی که وظیفه رصد و پایش و پیمایش موضوعات مهم را بر عهده دارد باید چگونه باشد.

۵- معیارهای موضوع نگاری

جهت دستیابی به فهرست موضوعات، ارائه معیارهایی برای:

- «تفکیک» موضوعات مهم از غیر مهم و رسیدن به فهرست موضوعات مشمول پیوست، و نیز
- «ترجیح» موضوعات مهم از مهم به دلیل اقتضات محیطی و ظرفیت های درونی مرکز راهبری پیوست ضروری است.

جهت اطلاع و استفاده از این معیارها، به «ضمیمه شماره ۲» الگوی تیپ رجوع شود.

۶- سطوح پیوست نگاری

نگارش پیوست، مبتنی بر دو سطح ذیل و ملاحظه تفاوت های احتمالی آنهاست:

۶/۱- پیوست نگاری محدود

این سطح پیشینی، با هدف موضوع شناسی، پیامد شناسی و راهکارشناسی در مقطع زمانی مشخص از زمان تصویب خواهی موضوعات مشمول پیوست تا تصویب، اجرا و بهره برداری انجام می شود. پیشینی بودن این سطح، عمدتاً به محدودیت زمانی تا تصویب و بهره برداری (قبل و حین) و ویژگی های فرآیندی، روشی، حقوقی و محیطی این مقطع مهم از پیدایش یک پدیده و پیامدهای خاص آن، تعریف می شود.

۶/۲- پیوست نگاری مستمر

این سطح پسینی، باهدف موضوع شناسی، پیامدسنجی و راهکارشناسی درمقطع زمانی مستمر، از زمان اجرا یا بهره برداری تا زمان فرجام بهره برداری از یک اقدام یا پروژه که ممکن است دهها سال به طول بیانجامد انجام می شود. پسینی بودن این سطح، عمدتاً به استمرار، پایداری و ماندگاری پیامدهای فرهنگی حاصل از بهره برداری و زمان طولانی پس از آن به ویژه با توجه به تغییرات کم یا زیاد محیطی در دوران گذار تعریف می شود.

۶/۳- افتراقات و اشتراکات

این دو سطح، به دلیل ویژگی های متفاوت زمانی و مکانی، دارای نقاط افتراق و اشتراکند که در نگاره ۶، به مهمترین آنها اشاره شده است:

ردیف	ویژگی های پیوست نگاری محدود	ویژگی های پیوست نگاری مستمر
۱	ناظر به پیامدهای مهم و معتنابه فرهنگی است	ناظر به پیامدهای مهم و معتنابه فرهنگی است
۲	ناظر به فضای مجازی و نیمه واقعی است	ناظر به فضای واقعی است
۳	ناظر به استفاده از تبیین وضعیت موجود محیطی و اتکاء به اطلاعات عمدتاً غیر میدانی است	ناظر به تشریح وضعیت گذار محیطی و اتکاء به اطلاعات میدانی است
۴	ناظر به هدف پیش بینی و پیش گیری از پیامدهاست	عمدتاً ناظر به هدف پی گیری و بازخوردگیری از پیامدهای عینی است
۵	ناظر به پیامدهای عمدتاً مقطعی است	ناظر به پیامدهای عمدتاً ماندگار است
۶	ناظر به کشیدگی محدود زمانی، در مرحله پیدایش پدیده است	ناظر به کشیدگی مستمر زمانی، تا مرحله فرجام پدیده است
۷	ناظر به استفاده از استدلالات عمدتاً کلی و اجمالی مربوط به پیدایش پدیده است	ناظر به استفاده از استدلالات عمدتاً جزئی و تفصیلی مربوط به تغییر محیط پدیده است
۸	ناظر به استفاده از راهکارها در مرحله پیدایش پدیده است	ناظر به استفاده از راهکارها در مرحله حیات پدیده و تغییرات محیطی آن است
۹	ناظر به توان محدود در ارائه سیاست ها و راهبردهای پیشنهادی برای اصلاح حوزه های فرهنگ و غیرفرهنگ است	ناظر به توان نسبی بسیار محدود در ارائه سیاست ها و راهبردهای پیشنهادی برای اصلاح حوزه های فرهنگ و غیرفرهنگ است

نکاره ۶- نقاط اشتراک و افتراق پیوست نگاری محدود و مستمر

۷- فرم ارزیابی پیامدهای فرهنگی

این فرم را که همان «فرم پیوست فرهنگی» است در دو سطح پیش گفته و به دلیل تفاوت های واقعی آنها قابل ترسیم است. هر چند عمده پرسش ها مشترک خواهد بود اما از این واقعیت مسلم نمی توان چشم پوشی کرد که ماهیت پیامدهای حوزه فرهنگ (و غیرفرهنگ) به گونه ای است که از آغاز تا چندی پس از بهره برداری، دچار نوسانات قابل توجه بلکه شدید است و البته همین امر نیز ضرورت حضور پیوست فرهنگی را صدچندان می کند. اما با مطالعه اجمالی در سرشت و سرنوشت موضوعات و پدیده های مختلف می توان به نوعی ایستائی یا تغییرات اندک در پیامدهای آنها پس از بهره برداری پی برد. گرچه زمان سکون یا نوسانات کم محسوس پیامدها نسبت به هر یک از موضوعات، متفاوت است و نمی توان زمان دقیق و واحدی را برای تمامی آنها محاسبه کرد اما بالاخره این واقعیت فرهنگی، تقریباً در مورد تمامی موضوعات و پدیده ها، قابل انتظار است. طبعاً در این زمان، پیامدسنجی فرهنگی به نقطه تکرار کم ضرور یا غیرضرور نزدیک می شود تا جائی که صرف گزارش های ممیزی فرهنگی (که دهها سال است نسبت به وضعیت محیطی به صورت کلی یا در برخی پدیده ها به صورت موردی توسط دستگاه های مختلف تهیه می شود) بجای پیوست فرهنگی، کافی به نظر می رسد؛ مشروط بر آنکه برخی از شاخص ها و سازوکارهای پیش گفته که نقطه قوت ارزشیابی فرهنگی پیوست است بجای شاخص ها و سازوکارهای کنونی، همچنان به قدر ضرورت، بهره لازم برده شود.

واقعیت فوق، نکته دیگری را در مورد فرم پیوست یادآور می شود به اینکه علاوه بر اشتراک اکثریت قاطع پرسش ها در دو سطح محدود و مستمر، زمان ارزیابی دقیق، عمیق و گسترده پیامدها الزاماً تا فرجام بهره برداری که دهها سال به طول می انجامد نیست و این استمرار نیز به نوعی با افول نوسانات فرهنگی و پیامدها محدود خواهد شد. این سخن بدان معناست که جز برخی پرسش های مهم و البته متفاوت نسبت به بعد از زمان بهره برداری، تغییر جدی در دو سطح از فرم های پیوست، قابل انتظار نیست. لذا ارائه یک فرم مشترک برای هر دو سطح، منطقی به نظر می رسد.

۷/۱- فرآیند تدوین پیوست فرهنگی

اما مراحل اصلی تهیه و تدوین یک پیوست جامع که در قالب «فصول سه گانه فرم پیوست فرهنگی»، جانمایی شده است، به شرح ذیل است:

۱- **زمینه شناسی:** تبیین اهداف و سیاست های حاکم بر موضوع، بیان ضرورت ها و نیازها، پیشینه شناسی با محوریت فرهنگ اعم از باورها، ارزش ها، نمادها، سنت ها، آداب و الگوهای رفتاری منطقه هدف و نیز ادیان و مذاهب، نژاد و اقوام و زبان و...

۲- **موضوع شناسی:** با استفاده از برخی شاخص ها جهت تبیین نقطه مختصات درون زا اعم از منابع انسانی، نرم افزاری و سخت افزاری و سخت افزاری محیط پیرامونی به علاوه دیدگاه ها، ظرفیت ها و انتظارات عمومی و تخصصی منطقه هدف، ترجیحاً براساس روش SWOT، باهدف ترسیم وضعیت موجود درون و بیرون موضوع،

۳- **پیامدشناسی:** بیان اجمالی پیامدهای اجمالی اما کیفی حاصل از شناخت نسبت بین داده های پیشینه شناسی و وضعیت شناسی موجود از یک سو و درون و بیرون موضوع از وضعیت موجود از دیگر سو، ضمن استفاده از شبیه سازی پیامدهای فرهنگی در موضوعات متجانس ارزیابی شده پیشین و نیز بهره مندی از شاخص های کلی و کلان کیفی در چهار فرهنگ،

۴- **شاخص گزینی:** گزینش مناسب ترین شاخص های خرد، متناسب با جمع بندی اطلاعات فوق به ویژه در مرحله سوم- براساس معیارهای تفکیک و ترجیح شاخص ها،

۵- **پیامدسنجی:** بیان تفصیلی و موزون پیامدهای احتمالی اما کمی مثبت و منفی و مستقیم و غیر مستقیم، به تفکیک گروه ها و مخاطبان و ذی نفعان و متخصصان در منطقه هدف در چهار حوزه فرهنگ نسبت به درون و بیرون موضوع، براساس شاخص های خرد کیفی و کمی،

۶- **راهکار شناسی:** بیان راهکارهای رفع نقاط ضعف و تهدید موضوع و تقویت نقاط قوت و فرصت آن در درون و بیرون در قالب اصلاح طرح نامه ها و پیش نویس ها برای ظرفیت سازی درونی موضوع و نیز ارائه راهبردهای مدیریتی و برنامه ای در قالب پیشنهاد سیاست ها و راهبردهای ملی در حوزه فرهنگ و غیر فرهنگ به صورت مستقیم و غیر مستقیم به دستگاه های هدف برای ظرفیت سازی بیرونی و محیطی، براساس اهداف و سیاست های ملی و شاخص های مرتبط با موضوع.

جهت اطلاع و استفاده از مندرجات «فرم پیوست فرهنگی» به این بسته عملیاتی رجوع شود.

۸- فرآیند ارزیابی پیوست فرهنگی

حسن ختام، اشاره به ارزیابی پیوست فرهنگی توسط مرکز راهبری است که طی فرآیندی خاص صورت می‌گیرد. در واقع ضمن تدوین پیوست توسط گروه پیوست نگار، مراحل تأیید و تصویب آن باید متناسب با فرآیند تدوین در سه مرحله صورت گیرد:

۱- مرحله شناخت موضوع: شامل مراحل زمینه شناسی و موضوع شناسی،

۲- مرحله سنجش پیامد: شامل مراحل پیامد شناسی، شاخص‌گزینی و پیامد سنجی،

۳- مرحله تعیین راهکار: شامل مرحله راهکار شناسی.

اما موضوعات ارزیابی پیوست - معطوف به عملکرد گروه پیوست نگار- شامل تعیین موارد ذیل است:

۱- میزان صحت و کارآمدی روش‌ها و فنون شناخت موضوع و پیامد و راهکار،

۲- میزان سرعت، دقت و انضباط گروه، در مقایسه عملکرد آن با سازوکارهای طراحی شده در الگوی تیپ و آئین نامه اجرائی پیوست فرهنگی،

۳- میزان اتقان و کارآمدی نظام شاخص‌ها به عنوان مهمترین ابزار پیامد سنجی،

۴- میزان صحت پیامدهای مثبت و منفی ترسیم شده، در مقایسه با اطلاعات و آمار بدست آمده،

۵- میزان صحت راهکارهای اصلاحی، در مقایسه با اطلاعات تحصیلی.

در صورتی که مرکز راهبری، حداقل عملکرد گروه پیوست نگار را در هر مرحله از ارزیابی خود تأیید کند اجازه ادامه و تکمیل تدوین را به گروه خواهد داد. علاوه بر آنکه از قبل این ارزیابی می‌توان به تعالی ابزار سنجش، و نیز تکمیل یا بازطراحی فرم‌های پیوست، در طول زمان نیز کمک کرد.

والحمد لله رب العالمین